

دادرسی منصفانه در حقوق کیفری ایران با نگرشی بر حقوق جزای بین‌المللی

تالیف
مهناز نصرتی

انتشارات قانون‌یار

۱۳۹۶

سرشناسه	۱	نصرتی، مهتار، ۱۳۵۰ -
عنوان قراردادی	۱	ایران، قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	۱	دادرسی متصفانه در حقوق کیفری ایران با نگرشی بر حقوق جزای بین‌المللی / تألیف مهتار نصرتی.
مشخصات نشر	۱	تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۱	۲۰۰ ص.
شابک	۱	۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۹۰-۹
وضعیت فهرست نویسی	۱	فیا
موضوع	۱	دادرسی عادلانه
موضوع	۱	Fair trial
موضوع	۱	اجرای عدالت کیفری -- ایران
موضوع	۱	Criminal justice, Administration of -- Iran
موضوع	۱	این دادرسی جزایی -- ایران
موضوع	۱	Criminal procedure -- Iran
موضوع	۱	این دادرسی جزایی (حقوق بین‌الملل)
موضوع	۱	Criminal procedure (International law
رده بندی کنگره	۱	KMHrr5v/2d. ۱۱۶
رده بندی دیویی	۱	۳۷۷
شماره کتابشناسی ملی	۱	۴۰۰۰۵

انتشارات قانون یار

دادرسی متصفانه در حقوق کیفری ایران با نگرشی بر حقوق جزای بین‌المللی

تألیف: مهتار نصرتی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۹۰-۹

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

فهرست مطالب

مقدمه	۷
فصل اول	۱۱
کلیات (مفاهیم، مبانی، قلمرو و پیشینه دادرسی منصفانه)	۱۱
فصل دوم	۴۹
اصول حاکم بر داد، منصفانه در مقررات داخلی و حقوق بین‌المللی	۴۹
فصل سوم	۱۲۱
تضمینات تشکیل دهنده حاکم بر دادرسی منصفانه در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی	۱۲۱
فهرست منابع	۱۹۳
الف - کتب	۱۹۳
ب - مجلات و مقالات	۱۹۵
ج - پایان نامه ها	۱۹۸
د- منابع اینترنتی	۱۹۹

مقدمه

مفاهیم دادرسی و عدالت ریشه در تمدن تاریخ بشری دارند. از قدیم الایام عدالت را صفت ذاتی دادرسی قلمداد می‌کردند و چگونگی رفتار منصفانه در دادرسی در کلیه نظامهای حقوقی بویژه نظام حقوقی اسلام مورد توجه بوده است. با این حال تغییر و تحول همه جانبه جوامع بشری و روابط حاکم بر آنها در اثر عطف توجه شایان به موازین حقوق بشر در دادرسی در سده‌های اخیر موجب شده که «حق دادرسی منصفانه» در اسناد و موازین بین‌المللی حقوق بشر، مورد توجه و تأکید بیشتر قرار گیرد و اصول و تضمینات آن در انواع دادرسی مطرح شود.

امروزه که از دنیا به عنوان دهکده جهانی نام می‌برند و هیچ حادثه و واقعه‌ای نمی‌تواند بی‌تأثیر در افکار عمومی سایر ممالک، هماهنگی کشورها در اتخاذ تدابیری که به نحوی به اداره امور کشور مربوط می‌شود مستقیم یا غیرمستقیم به حقوق بنیادین بشری افراد تحت قلمرو دولتها تأثیر می‌گذارند، بیش از پیش دسروی می‌نماید. یکی از این حقوق بنیادین حق بر دادرسی منصفانه با تمامی ارکان و لوازم آن است.

هر چند اصل حاکمیت دولتها، عدم مداخله سایر دولتها در اداره امور مملکتی خاصه قوه قضائیه را ایجاب می‌نماید اما مقوله حقوق طبیعی و امری که حقوق بشر که انسانها از آن حیث که انسانند، از آن برخوردارند، رعایت حقوق برابر در تمام جهان و احقاق آن را در هر کشوری به قدری بدیهی می‌نماید که دولتها را بر سر جمع‌آوری و توافق بر سر حداقل‌های این حقوق به دور هم گردآورده و اعلامیه‌ها، کنوانسیون‌ها، اصول، رهنمودها و امثال آنها را می‌توان از دستاوردهای آن دانست.

با نگاهی به کنوانسیونها، میثاقها، بیانیه‌ها و اعلامیه‌های متعدد بین‌المللی در می‌یابیم که حتی در اموری که بیش از این در صلاحیت صرف حاکمیت دولتها بود، حداقل‌هایی در نظر گرفته شده است که دست دولتها را در اقتدار بی‌حد و حصر بسته است. پس با شرایطی که بر جهان بین‌الملل کنونی حاکم است، در می‌یابیم که پشت کردن به استانداردها و حداقل‌های بین‌المللی حقوق بشری در نظر گرفته شده برای رفتار با شهروندان و بی‌اعتنایی نسبت به آن جز انزوای بین‌المللی ثمری نخواهد داشت.

در میان کنوانسیونها و استاندارد سازی‌ها، دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از نقش محوری و اهمیت به سزایی برخوردارند. با تحقق حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دولتهایی که به این میثاق می‌پیوندند، موظف و ملزم هستند که حقوق شناخته شده در آن را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیتشان بدون هیچ گونه تمایزی از قبیله نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشاء ملی یا اجتماعی، ثروت، نسبت یا سایر وضعیت‌ها، محترم شمرده و تضمین نمایند.

در اسناد بین‌المللی مختلف تاکید شده دولتهای عضو مکلفند این استانداردها را در نظام بین‌المللی جذب و وارد نظام ملی کنند. در همین زمینه دو تعهد به دولت تحمیل می‌شود، تعهد کلی خود دولت، مسئله به رعایت (obligation to respect) و تعهد به تضمین (obligation to insure) هم چنین نقص نکنند و هم از نقص آن جلوگیری کنند. دولتهای عضو مکلفند وسیله مطمئن برای حفاظت حق اشخاص که حقوق آنها نقض شده است را فراهم آورند.

حق بر دادرسی منصفانه از حقوق شناخته شده در سطح بین‌المللی است. در اغلب معاهده و کنوانسیونهای حقوق بشری به این حق و تضمین‌های آن اشاره شده است. مصادیق یک دادرسی منصفانه نه تنها در چارچوب دادرسی‌های مرسوم کشورها، بلکه این نیاز به طریق اولی و در جایگاهی وسیع‌تر، در ارتباط با دادگاههای نظامی و بدون دادگاههای گوانتانامو و به طریق کلی تمامی دادگاههایی که خارج از اصول و قواعد مرتبط با شکایات قضایی حاکمه در یک کشور و یا یک منطقه ایجاد می‌گردند، احساس می‌شود.

اما چرا دادرسی منصفانه یا عادلانه اهمیت دارد؟ دادرسی منصفانه و ساز و کارهای نیل به آن از آن رو مورد توجه و اهمیت است که علاوه بر این که مانند سایر موازین حقوق بشری ناظر به برخی از حقوق انسانی چون حق دفاع است اما از سوی دیگر چتر حمایتی برای سایر حقوق بنیادین بشری نیز محسوب می‌شود. رعایت اصول دادرسی منصفانه موجب حفظ سایر حقوق انسانی مثل حق آزادی، حق رهایی از شکنجه، و امثال آنها در مقابل اقتدار و حاکمیت دولتها

خواهد بود. کلیه این موازین در راستای جلوگیری از استبداد قضائی و محدود کردن اقتدار سیستم قضائی در پیشگیری از جرم، تعقیب متهم، محاکمه و نهایتاً مجازات محکوم و به عبارتی اجرای عدالت در درون کشورهاست.

در نظام دادرسی کیفری اسلامی به عنوان نظامی مستقل و قائم به ذات، هرگز شیوه‌ها و روشهای دادرسی دوران باستان و قرون وسطی در اروپا و کشورهای معاصر آن دوران مورد تأیید نبوده است. این نظام دادرسی بخشی از کلیت نظام حقوق اسلام است که با ظهور رسالت حضرت رسول اکرم (ص) در قرن هفتم میلادی براساس منابع مربوط (کتاب، سنت، عقل و اجماع)، پیش بینی و مقرر شد. اصول مقرر در نظام دادرسی کیفری اسلام با نظامهای موجود همزمان ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی و تا قرن هجدهم در اروپا و کشورهای معاصر، که از احکام مترقی اسلام پیروی نکردند، قابل مقایسه نیست. شکنجه متهم در قرون مزبور در اروپا، عادی و قانونی بوده است، در حالی که به موجب منابع معتبر فقهی، اقدام ضدانسانی مذکور برخلاف دستور شریعت بوده و اقرار ناشی از شکنجه فاقد اعتبار شرعی است.

استفاده از روش غیرمعقول آوردن در صورت تردید در صحت انتساب اتهام به متهم، فاقد مجوز در نظام دادرسی اسلام است و اصولاً ادله اثبات دعوی در حقوق اسلام محسوب نمی‌شود.

همچنین اصولی از قبیل اصل برخورداری متهم از فرصت برای گفتگو و تفسیر قوانین جزایی به نفع متهمان در صورت تردید در انتساب بزه به آنان، ۱۴ قرن قبل از آن در حقوق اسلام پیش بینی شده است. ملاحظه منابع و متون حقوق اسلام در روش قضائی و دیدگاه‌های امام علی (ع) بیانگر این است که ایشان قرن‌ها قبل از سیر تکاملی تحول دادرسی کیفری به این اصول پایبند و بلکه واضع آنها بوده است.